فلسفه گریه‌های زهرا(س)

شـــبهه: علت گریه‌های حضرت زهرا (س) بعد از پدر گرامی‌شان چه بود؟ آیا فقط گریه احساسی در فراق پدر بوده یا برای قضیه غصب ولایت حضرت علی(ع) بود؟

پاســـخ: علامه ســـید جعفر مرتضی عاملی در این باره می‌گوید: «ما تصور نمی‌کنیم که گریه زهرا(س) در فراق پدرش آســـایش مردم را به هم زد و موجب اعتراض آنان شد بلکه آنچه آنان را ناراحت کرد و به واکنش واداشت چیزی است کـــه وجود زهرا(س) در کنار قبر پدرش با حالتی از حزن و اندوه و دلتنگی و دل شکســـتگی برمی انگیخت (یعنی) مظلومیت زهرا که بلافاصله پس از درگذشت پدرش به سراغ او آمده بود و نمایانگر حالت تحریک مداوم مردم پاک نهاد و مخلص و با ایمان و در نتیجه نابودی خطی بود که از انجام هیچ عملی در راه رسیدن به خواسته‌هایش فرو گذار نکرد.گریه زهرا در فراق شخص رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به اندازه‌گریه آن بانو در تجسم سرنوشت غمباری که به مجرد وفات پیامبر اسلام، برخاندان پیامبر(و امت اسلام) وارد شد نبود (در واقع گریه اصلی برای اوضاع پس از رحلت پیامبر بود.)»(۱)

بایـــد اعتراف کنیم به این حقیقت که گریه و ناله فاطمه(س) آســـایش مردم مدینه را به هم نزد بلکه آرامش حاکمان ســـقیفه را به هم می‌زد چونکه حاکمان جدید می‌بایست در مسجد پیامبر(ص) و در کنار منبر شریف آن حضرت جایی که فقط چند متر از خانه فاطمه فاصله داشـــت حضور داشته باشند و این حضور باگریه و اندوه فاطمه به مخاطره می‌افتد لابد باید آن حضرت را ازگریه منع کنند.(۲)

دقت در ماهیت گریه حضرت زهرا (س) نشان می‌دهد که چرا عده‌ای به‌گریه ایشان اعتراض می‌کردند. در روایتی، قسمتی از گفتار حضرت زهرا در هنگام عزاداری بر سر مزار پدر این‌گونه بیان شده است: «پدر جان! آن مجالسی که تو داشتی (با رفتن تو) دچار ظلمت بزرگی شده اند.... ابوالحسن تو را از دست داد، همان ابوالحسنی که مؤتمن، پدر دو فرزند تو حسن و حسین، برادر تو، دوست تو و محبوب تو می‌باشد. همان علی که تو او را از زمان کودکی پرورش دادی، در زمان بزرگسالی او با وی برادر شدی، همان علی که محبوبترین دوستان و اصحاب تو بود، همان علی که در اسلام آوردن و هجرت نمودن و یاری کردن تو بر همه سبقت گرفت، ما تو را از دست دادیم؛گریه، قاتل ما خواهد بود، تأسف همراه و مونس ما گردید.

سپس آن بانو فریادی زد و ناله‌ای کرد که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت کند، آنگاه این اشعار را قرائت کرد: ... دین اسلام که در میان مردم یکی از غربا به شمار می‌رود، در مصیبت توگریان شد.

– کاش آن منبری را که بر فراز آن می رفتی می دیدی که چگونه بعد از نور وجودت، اکنون ظلمت آن را فرا گرفته و...»(۳)

طبیعتا این گفتار در خانه‌ای که کنار مسجد قرار داشت و به نوعی مقر حکومتی محسوب می‌شد و اجتماع زنان در کنار حضرت زهرا که مطالب را به شوهرانشان منتقل می‌کردند، پایه‌های حکومت غاصبان را می‌لرزاند و آنها را دچار استیصال می‌کرد و باید هر گونه که شده به نوعی مانع ادامه این روند می‌شدند که ممکن بود سبب بیداری مردم شود.

رضایت به مقدرات الهی

باید توجه داشت که انسان مؤمن در هر حال باید به تقدیر و قضای الهی راضی باشد و اگر گریه کردن با رضایت به قضای الهی منافات داشته باشد جایز نیست(۴) ولی باید توجه کرد که در بســـیاری از مواردگریه ناشی از عواطف انسانی و روابط صمیمانه و پیوندهای ایجاد شده بین دل‌ها می‌باشد، نه عدم رضایت از مقدرات الهی و قطعاگریه‌های حضرت فاطمه (س) بمعنای عدم رضایت به مقدرات الهی نبوده است. طبیعی است رحلت پدر بر فرزندان، به ویژه دختران سخت تأثیر می گذارد، از این رو معمولاً دختران بیشتر در مرگ پدر احساس ناراحتی می کنند،آنهم گریه درفراق پدری همچون رسول خدا(ص) که واسطه فیض وجودی همه موجودات است.

از دیدگاه شیعه گریه کردن در غم از دست دادن شخص مؤمن مستحب است به‌ویژه در مواردی که غم جانکاهی بربازماندگان وارد شـــده وگریه در تخفیف آن غم و اندوه مؤثر باشد.(۵)

پی‌نوشت‌ها:

۱. ترجمه ماساه الزهرا(رنج‌های زهرا) علامه سید جعفر مرتضی عاملی، مترجم: محمد سپهری، صص ۳۰۲ و ۳۰۱.
۲. ضیاءالدین، ج ۲، ص ۱۴۰، نقل از رنج‌های زهرا، ص ۳۰۳.
۳. بحار الأنوار، ج۴۳، ص ۱۷۷.
۴. عروُالوثقی، سیدمحمدکاظم یزدی، ج ۱، ص ۳۱۹، فصل فی مکروهات الدفن، مسئله ۱.
۵. تحریرالوسیله امام خمینی ج۱ص۸۳.

حکایت اهل راز

ارادت ویژه به حضرت زهرا(س)

آیـــت‌الله بهاءالدینی می‌فرمودنـــد: در اوایل طلبگی، هنگامی که در مدرسهٔ فیضیه زندگی می‌کردم به بیماری... مبتلا شدم که نیاز به عمل جراحی داشت، اما با توسل به حضرت زهرا(س) شفا یافتم.

اینجانب (ری‌شهری) در عالم رؤیا آیت‌الله بهاءالدینی را دیدم که مرا توصیه به توســـل به حضرت زهرا(س) می‌فرمایند. این رؤیا را با ایشان درمیان گذاشتم. ایشان ضمن تصدیق موضوع، فرمودند: توصیه‌ای که ما به همه داریم، توسّل به آن حضرت است.

آموزندگی رفتار

رفتار حضـــرت آیت‌الله بهاءالدینی بیش از گفتـــارش آموزنده بود؛ حُسن معاشرت، ساده‌زیستی، بی‌اعتنایی به دنیا و رعایت نهایت ادب در برخوردهای ایشان کاملاً مشهود بود. با کهولت سن و ضعف مزاج تا موقعی که می‌توانست به هر زحمتی بود به احترام میهمان از جا برمی‌خاست. یاد دارم یک بار هنگامی که با اصرار از ایشان خواستم از جای خود بلند نشود، فرمود: شکر اینکه می‌توانم از جا برخیزم، برخیزم.

مکرر اتفاق می‌افتاد وقتی خدمتشان شرفیاب می‌شدم، می‌فرمود: به پاسداران همراه هم بگو بیایند و هنگامی که عرض می‌کردم آنها بیرون می‌مانند، دستور می‌دادند که از آنها پذیرایی کنند.

*** کتاب: خاطره‌های آموزنده، نوشته آیت‌الله محمدی ری‌شهری انتشارات دار الحدیث قم**

ایمان و عمل دو همزاد، دو همراه

اســـلام همواره می‌گوید ایمان و عمل (دو همراهند)؛ به طوری که «الّذیـــنَ امَنوا وَ عَمِلُوا الصّالحات» حکم یک ترجیع‌بند را در قرآن پیدا کرده، یعنی مکرر در مکرر در آیات قرآن این تعبیر آمده اســـت؛ یعنی ایمان و عمل در قرآن حکم دو همزاد را دارند.

قـــرآن با این تعبیرِ خودش می‌خواهد بفهماند که ایمان، به تنهایی برای سعادت کافی نیست؛ عمل هم منهای ایمان به جایی نمی‌رسد و اثری برای انسان ندارد. ایمان یعنی بینش، البته بینش صحیح، بینش خاصی که قرآن می‌گوید و از شناخت خدا شروع می‌شود و عمل یعنی جنبش. بینش خاص و جنبش بر اساس آن بینش.

خیلی از اطلاعات در جهان، اطلاع است بدون اینکه به انسان ایده بدهد. ولی بعضی از علم‌ها و اطلاع‌ها و بینش‌هاست که خودبه‌خود به انسان ایده و آرمان می‌دهد.

ایمانی که در اسلام مطرح است چون ایمانِ به خدا و ایمانِ به معاد و ایمانِ به رسالت پیغمبر(ص) است، خود به خود به انسان آرمان می‌دهد؛ یعنیِ ایمان مذهبی فقط علم و اعتقاد نیست، آرمان هم در آن هست.

آن وقت این ایمان که بینشـــی اســـت توأم با یک آرمان، جنبشی می‌خواهد متناسب با همان ایمان و همان آرمان، به تعبیر قرآن «عَمِلُوا الصّالحات» عمل شایسته، یعنی حرکت و جنبشی متناسب و بر اساس آن ایمانِ و آن آرمان.

*** استاد مطهری، گریز از ایمان و گریز از عمل صص ۱۵۱-۱۴۹ (با تلخیص)**

نگاهی به جلوه‌های فضیلت در سیره حضرت زهرا(س)

فاطمه(س)؛ الگوی دست‌یافتنی برای «خانه» و «اجتماع»

جواد محدثی

بانـــوی بانوان، حضـــرت زهرا(ع)، همچنـــان پس از گذشت قرن‌ها، برای همه بشریت به ویژه زنان و دختران «الگو»ست. روز ولادت او را به نام «روز زن» و «روز مادر» نام نهاده‌اند، تا همه زنان مسلمان و مادران نمونه، از فضائل و شایستگی‌های آن سرمشق خوبی‌ها، الگو بگیرند. جلوه‌های الگویی آن بانو، برای نسل امروز فراوان است. در جنبه‌های فردی و اجتماعی، عبادی و سیاســـی، اخلاق و معاشرت، تربیت و خانه داری، عبادت و بندگی، علم و دین آموزی و... می‌تواند سرمشق ما قرار گیرد. اگر به این «آینه کمال» بنگریم، جلوه‌های فضیلت را خواهیم دید و شناخت. برای سهولت در «الگوگیری» از آن اسوه پاکی، به نمونه‌هایی از سیره رفتاری آن حضرت، در چند بخش اشاره می‌کنیم:

۱. بعد عبادی

آنچه به وجود انسان معنی می‌بخشد، رابطه «نیایش» و «پرستش» با معبود است. هر که در دستگاه خدا «بنده»تر باشد، آزادتر و مقرّب‌تر است. پیروان سیره زهرا(ع) همچون او باید اهل ذکر، دعا، خلوت، تهجّد و نماز باشند. حضرت فاطمه(ع) بسیار شیفته عبادت و نیایش به درگاه الهی بود. از همه دل بریده بود و دلش پیوسته با پروردگارش بود.

آن‌قـــدر در پیشـــگاه خدا به عبادت می‌ایســـتاد که قدم‌هایش ورم می‌کـــرد[۱] و هرگز از نماز و دعا و نیایش خسته نمی‌شـــد، بلکه لذّت معنوی او در عبادت بود. در نمازهایش از خوف خدا می‌گریست. برای هر روز از روزهای هفته و تعقیبات نماز، دعاهای ویژه‌ای داشت (در کتاب‌های دعا، متن دعاها و ذکرهای روزانه و تعقیبات نماز آن بانوی بزرگ آمده است.) در دعاهایش برای زنان و مردان مؤمن دعـــا می‌کرد، ولی برای خود دعا نمی‌کرد![۲] تســـبیحات حضرت زهرا(ع) از برکات آن بانو اســـت. روزی خسته از کارهای طاقت سوز خانه، با دست‌های تاول زده به محضر پیامبر خدا(ص) رفت تا برای کمک در انجام کارهای خانه کنیزی برای خود بگیرد. رســـول خدا(ص) بهتر از کنیز و خدمتکار را به او عطا کرد، یعنی «تســـبیحات حضرت زهرا(ع)».[۳] این ذکرهای شریف را حضرت جبرئیل(ع) از سوی خداوند آورد و به حضرتش تعلیم داد.

آری... الهـــام و نیرو گرفتـــن از یاد خدا برای غلبه بر دشواری‌های زندگی! انس او با محراب عبادت و خلوت او در پیشگاه پروردگار و عشقی که به نماز داشت، او را محبوب خدا و حبیب رسول ساخته بود. شب‌های قدر، برنامه‌های مفصّل‌تری داشت، حتی افراد خانه را هم در طول روز آماده می‌کرد تا شب قدر را بیدار بمانند و به عبادت بپردازند و می‌فرمود: «محروم کسی است که از خیر شب قدر محروم بماند.» هر که در پی «سیرت فاطمی» باشد، باید در کنار تلاش‌های روزانه، اهل نیایش شبانه هم باشد و نماز و یاد خدا را در زندگی، سرمایه تقرّب به خدا قرار دهد.

۲. بعد اخلاقی

حضرت زهرا(ع) محبوب پیامبر(ص)بود و در زهد و عبادت و خوبی، یادآور صفات و فضائل مادرش خدیجه کبرا بود. ادب و متانت او در گفتار، زبانزد و معروف بود و اخلاق و نشست و برخاست او، به پدرش پیامبر خدا شباهت داشت.

حضرت رسول (ص) هنگام دیدار با او، دست دخترش را می‌بوسید و به او خوشامد می‌گفت و او را در جای خودش می‌نشاند. فاطمه زهرا(ع) نیز همین ادب را در مورد پدرش داشت و هنگام ملاقات با پدر، دست او را می‌بوسید. بارها پیامبر خدا خطاب به این دختر شایســـته و والاقدر خود گفته بود: پـــدرش به فدایش! صداقت و صراحت لهجه و راستگویی، از ویژگی‌های آن حضرت بود. یکی از همسران پیامبر می‌گوید: من کســـی را راستگوتر از فاطمه ندیدم،

> **پوشـــش از «نـــگاه حرام» و «چشـــم نامحـــرم»، هم مصونیتی برای بانوان پدید می‌آورد، هم جامعـــه را از تباهی و فساد بازمی‌دارد و هم نشـــانه آگاهی و بیداری زن و پرهیز از تبدیل شدن به ابزار سودپرستی و کامجویی بلهوسان است.**

مگر پدرش را.[۴] چنان خود را در خدا و رضای خدا محو و فانی کرده بود که به تعبیر روایات، خشم و رضای او خشم و رضای پروردگار به شـــمار می‌رفت، یا رضایت و غضب او با خشـــم و رضای پیامبر اعظم (ص)برابر بود. ساده و با قناعت می‌زیست و دل از زرق و برق دنیا بریده بود. آیین همسرداری را در خانه به خوبی مراعات می‌کرد و در برخورد با دیگران مخصوصاً همسرش فروتنی داشت و برای رسیدن به مقامات بلند، ســـختی‌های زندگی را همراه با قناعت و مناعت تحمّل می‌کرد. از پاســـخگویی به سؤالات دینی زنان خسته نمی‌شد و با روی باز از آنان استقبال می‌کرد.

وقتی او را شبیه‌ترین افراد به پیامبر دانسته‌اند، همه اخلاق نیکوی حضرت رسول را در وجود و رفتار او می‌توان سراغ گرفت و به او اقتدا کرد.

۳. در اندیشه دیگران

حضرت فاطمه(ع) دست پرورده مکتب وحی و تربیت یافته حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) است. اسلام، دین نوعدوستی، اهتمام به امور مردم، دلسوزی برای تهیدستان و یاری مظلومان است. زهرای اطهر(ع) نیز که اسوه ماست، مظهری از این صفات و رفتار مکتبی بود. در سیره رفتاری آن حضـــرت آمده اســـت: وی از توان مالی خویش در راه کمک به محرومان نیازمند بهره می‌گرفت.

یک بار، پارچه‌ای را که داشت، به رسول خدا(ص)داد و آن حضرت آن را تکه تکه برید و به تعدادی از اســـیران بی‌لباس رومی داد که خود را بپوشـــانند. داســـتان نزول سوره «هَلْ اَتی » در شأن این خانواده نیز، بر همین محور است که این خانواده، برای ادای نذر خویش سه روز روزه گرفتند و هنگام افطار، غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند.[۵] آزاد سازی بردگان در نظر او کاری ارزشمند بود. گردنبندی را که علی(ع) برای او خریده بود، فروخت و با پول آن برده‌ای خرید و آزاد کرد. پیامبر اکرم (ص) از این کار دخترش بسیار خرسند و شادمان شد و او را ستود. در فکر مردم بودن، «روح مسلمانی» است.

آن بانو، حتی در دعا و حاجت خواهی از خدا هم از یاد مردم غافل نبود. گاهی شب‌های جمعه تا صبح، به نماز و دعا می‌پرداخت و برای دیگران دعا می‌کرد، اما برای خود چیزی از خدا نمی‌خواست. وقتی فرزندان خردسالش راز این کار را می‌پرسیدند، می‌فرمود: فرزندانم! اول همسایه، آن گاه خانه!

داستان بخشیدن جامه تازه عروسی به نیازمندی که در خانه حضرتش آمده بود را شنیده و خوانده اید. این نیز جلوه‌ای از روحیه ایثار و بخشـــندگی آن حضرت و نشانه نوعدوستی و محروم نوازی و کمک به نیازمندان بود. شیعه زهـــرا(ع) نیز از توان مالـــی خود در رفع نیاز دیگران بهره می‌گیرد و در غم و شادی دیگران، خود را سهیم و شریک می‌داند. تنها به فکر راحتی خود بودن و غم مردم نخوردن، از «سیره فاطمی» به دور است و شیعه زهرا، در این مورد هم باید از آن بانوی بزرگ، درس بیاموزد.

۴.عفاف و حجاب

از بارزتریـــن جلوه‌هـــای الگویـــی بانـــوی اســـلام، زهـــرای اطهر(ع)، حُجب و حیـــا و عفاف آن حضرت بود. پوشش از «نگاه حرام» و «چشم نامحرم»، هم مصونیتی برای بانوان پدید می‌آورد، هم جامعه را از تباهی و فساد باز می‌دارد و هم نشانه آگاهی و بیداری زن و پرهیز از تبدیل شدن به ابزار سودپرستی و کامجویی بلهوسان است. اینها گوشه‌ای از فلسفه حجاب در مکتب است.

حضرت زهرا(ع) هم در سخن، معلم حجاب بود، هم در رفتار، اسوهٔ عفاف. عقیده داشت بهترین چیز برای زن، آن اســـت که نه نامحرم او را ببیند و نه نگاه او به مردان نامحرم بیفتد. این سخن، نه به معنای ردّ فعالیت‌ها و حضور اجتماعی زن در صحنه، بلکه هشدار و تذکر به لغزشگاه‌هایی اســـت که بر سر راه پاکدامنی و عفاف وجود دارد و گاهی زمینه یک فســـاد عظیم، یک «نگاه» است، چه از سوی زن، چـــه مرد. وقتی یک مرد نابینا وارد خانه آن حضرت می‌شـــود و با رسول خدا(ص) ملاقات می‌کند، با ورود او، زهرا(ع) برمی خیزد و فاصله می‌گیرد و خود را می‌پوشاند، یا پشت پرده می‌رود. وقتی پیامبر می‌فرماید: دخترم! این مرد نابیناست. زهرای عزیز پاسخ می‌دهد: اگر او نمی‌بیند، من او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند. پیامبر خدا با شنیدن این کلام، ضمن تأیید گفتار دخترش می‌فرماید: گواهی می‌دهم که تو پاره تن منی. نیز نقل شده که پیش از وفات، به علی(ع) و به «اسماء» وصیت کرد که چون از دنیا رفت، پیکرش را داخل تابوتی بگذارند تا حجم بدن دیده نشـــود! پیش از آن رسم بود که زنان را روی تابوتِ سرْباز می‌نهادند و حجم بدن معلوم می‌شد. اسماء به آن حضرت یادآور شد که در ســـرزمین حبشه، برای مرده‌ها تابوتی می‌سازند که حجم بدن و اندام را می‌پوشاند. شکل آن را هم برای آن بانوی بزرگوار ترسیم کرد. حضرت فاطمه(ع) فرمود: «ای اسماء! برای من نیز شبیه آن را بسازید، و پس از مرگ، پیکرم را درون آن بگذارید تا مرا بپوشاند. خداوند تو را از آتش دوزخ بپوشـــاند!» آن نیز درسی برای عفاف جامعه و آرامش روحی افراد است، که در سایه پوشش زن و کنترل نگاه مردان، مصونیت و ایمنی اخلاقی پدید می‌آید و زمینه گناه از بین می‌رود.

> **حضرت زهرا(ع)، هم در سخن، معلم حجاب بود، هم در رفتار، اسوهٔ عفاف. عقیده داشت بهترین چیز برای زن، آن است که نه نامحرم او را ببیند و نه نگاه او به مردان نامحرم بیفتد. این سخن، نه به معنای ردّ فعالیت‌ها و حضور اجتماعی زن در صحنه، بلکه هشدار و تذکر به لغزشگاه‌هایی است که بر سر راه پاکدامنی و عفاف وجود دارد و گاهی زمینه یک فساد عظیم، یک «نگاه» است، چه از سوی زن، چه مرد.**

۵. حضور سیاسی

بی تفاوتی در قبال آنچه در جامعه می‌گذرد، بخصوص در زمینه وضعیت سیاســـی و اجتماعی و حقوق عمومی، دور از روش و منش اسلامی است. حضرت زهرا(ع)، دختر رســـول بزرگواری است که «مدنیت اســـلام» را بر پایه وحی پدید آورد و به مسلمانان، تعهد اجتماعی و نظارت بر عملکرد مســـئولان و حساســـیت به معروف و منکر را آموخت. دختر رسالت، به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بی‌تفاوت نبود و جبهه حق را یاری می‌کرد. پس از رحلـــت پیامبر (ص)که خلافت را غصب کردند و فدک را از او گرفتند، او همراه زنان بنی‌هاشم به مسجد رفت و در جمع مسلمانانِ حاضر، ضمن خطبه‌ای که پشت پرده خواند، از بدعت‌ها، ستم‌ها، حق کُشی‌ها و فراموش کردن وصیت رســـول خدا(ص) و جان گرفتن دوباره سنت‌های جاهلی انتقاد کرد و ریشـــه‌های سهل انگاری در دفاع از حـــق و فراموش کردن توصیه‌های قـــرآن و پیامبر را در عادت کردن به زندگی مرفّه و دنیادوســـتی و لذّت طلبی دانست و از اینکه به سرعت، دستاوردهای وحی و دین و خدمـــات و زحمات پیامبر را از یاد بردند،آنان را نکوهش کرد.خطبه او (که تاکنون بارها از سوی دانشمندان دینی شرح شده است)، نشانه تعهد اجتماعی و حضور در صحنه دفاع از بنیان‌های دینی و مبارزه با بدعت‌ها و غفلت‌هاست.

تلاش برای اثبات حـــق و ولایت علی(ع) و مبارزه با انحراف در رهبری امت اسلامی را تکلیف خود می‌دانست. گاهی شب‌ها به همراه علی(ع) به در خانه مهاجران و انصار می‌رفت و در حمایـــت از ولایت، توصیه‌ها و وصیت‌های پـــدرش را بـــه یادها مـــی‌آورد و آنان را بـــه دفاع از حق شوهرش در مســـئله خلافت (که در واقع حق امت بود) و نیـــز حمایت از حق خودش فرا می‌خواند. هر چند آنان با ســـردی و بی‌مهری پاسخ می‌دادند و برای دفاع از حق بی‌تفاوت بودند و بهانـــه و عذر می‌آوردند، ولی آن بانوی بزرگ، برای اتمام حجت، آنان را به این یاری فرا می‌خواند تا فردا نگویند کسی به ما نگفت و یادآوری نکرد! مردم، با شأن و مرتبه‌ای که برای حضرتش می‌شناختند، به خاطر او، حضرت علی(ع) را بیشتر مراعات می‌کردند. به نوشته مورّخان، زهرای مرضیـــه(ع) تا زنده بود، علی(ع) حامی نیرومندی داشت و به خاطر فاطمه(ع)، حرمت علی(ع) را پاس می‌داشتند. اما پس از شهادتش، علی تنهاتر و بی‌پناه‌تر گشت. خط سیاسی فاطمه زهرا(ع) بسیار روشن و روشنگر و ابهام زدا بود. چنان مدبّرانه عمل می‌کرد که پس از او هم راه، روشن بماند. اینکه وصیّت کرد پیکرش را شبانه غسل دهند و به خاک سپارند، تا آنان که بر وی ستم کردند و او را آزردند، در مراسم دفن او حضور نداشته باشند و از این حضور نتوانند بهره سیاسی ببرند و کارهای خود را تطهیر و توجیـــه کنند، نمونه‌ای از درایت و آینده نگری حضرت بود. هنوز هم مخفی بودن مکان دفن او، روشنگر حقیقت و نشانه ظلمی است که بر او و خاندان پاک پیامبر خدا رفته است. وصیّت او نیز بار سیاسی داشت و بیانگر مواضعش در مسائل اجتماعی و سیاسی بود.

> **اینکه فاطمه(س) وصیّت کرد پیکرش را شـــبانه غسل دهند و به خاک سپارند، تا آنان که بر وی ستم کردند و او را آزردند، در مراسم دفن او حضور نداشته باشند و از این حضور نتوانند بهره سیاسی ببرند و کارهای خود را تطهیر و توجیه کنند، نمونه‌ای از درایت و آینده نگری حضرت بود. هنوز هم مخفی بودن مکان دفن او، روشنگر حقیقت و نشانه ظلمی است که بر او و خاندان پاک پیامبر خدا رفته است. وصیّت او نیز بار سیاسی داشت و بیانگر مواضعش در مسائل اجتماعی و سیاسی بود.**

۶. احیاگری و فرهنگ یاد

فداکاری و جانبازی در راه دین، کلید سعادت اجتماعی و رســـتگاری ابدی اســـت. اولیای دین، هـــم آموزگاران، هـــم مدافعان و هم احیاگـــران «خط جهاد» و «فرهنگ شهادت» بودند. حضرت زهرا(ع) نیز با سیره و رفتار خود، تلاش در زنده نگه‌داشتن این خط و فرهنگ داشت؛ حتی با برنامه‌های عبادی و ذکر و دعا و زیارت، به پاســـداری از آرمان‌های شـــهدا می‌پرداخت. تسبیح حضرت(ع) که با آن ذکر می‌گفت، نخی بود که به تعداد ذکرها و تکبیرها «گره» داشـــت و با آن تسبیح می‌گفت. پس از شهادت حمزه سیّدالشهدا در جنگ احد، از خاک تربت او تسبیح ســـاخته بود و با آن ذکر می‌گفت. از آن پس مردم نیز در پیـــروی از رفتار او چنان کردند.[۶] این کار و برنامه، نوعی احیای فرهنگ شهادت و زنده نگه‌داشتن یاد و خاطرهٔ آن الگوهای ایمان و ایثار و جهاد و الهام‌گیری از روح شهیدان راه خداســـت، تا این فرهنگ در نسل‌های آینده هم زنده بماند. بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه(ع) در صحنه‌های اجتماعیِ دفاع از دین و پیشوا و رهبری حاضر بود؛ از جمله در جنگ اُحد که نخستین رویارویی مسلمانان با مشرکان بود، شرکت داشت و به امدادگری و مداوای زخم‌های رسول خدا(ص)مشغول بود. همراه سه زن دیگر از مدینه آب و غذا می‌آوردند و به جبهه نبرد می‌رساندند و به درمان مجروحان می‌پرداختند.[۷] زنان قهرمان ملّت ما نیز در انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس، با الهام از آن حضرت، یاریگر مدافعان حق و پشتیبانی کنندهٔ صحنه‌های جهاد و مبارزان راه انقلاب بودند. او احیاگری خط شـــهادت و رشادتهای مبارزان را، ســـال‌ها پس از حماسه احد نیز داشت و به خاطره معطّر آنان وفادار مانده بود و می‌کوشید تا به عنوان راوی صادق آن صحنه‌هـــای ایثار و فداکاری عمل کند. به نقل تاریخ، روزهای دوشنبه و پنجشنبه به احد می‌رفت و مزار شهدای احد و حضرت حمزه را زیارت می‌کرد. از آنجا که خود در صحنه نبرد احد حضور داشـــت و صحنه‌های آن را دیده بود، به عنوان یک شاهد زنده و روایتگر آن حماسه دینی، به دیگران نشان می‌داد و می‌فرمود: این‌جا پیامبر(ص) بود و آنجا مشـــرکان! این عمل، هم الگوی «زیارت شهید» را دارد، هم زنده نگه‌داشتن خاطرات شهدا و وقایع ایّام نبرد را.

با تکریم یاد شـــهیدان و گرامیداشـــت ایّام جنگ و دفاع، می‌توان «فرهنگ جهاد و شهادت» را به نسل‌های آینده منتقل کرد. این، درســـی است که وارثان پیروزی و بازماندگان کاروان شـــهادت، از ســـیره فاطمه زهرا(ع) می‌آموزند.

> **علی(ع) فرموده اســـت: «وقتی بـــه خانه می‌آمدم و به زهرا نـــگاه می‌کردم، تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد. هرگز کاری نکردم که فاطمه از من خشمناک شود، فاطمه نیز هرگز مرا خشمناک نساخت.»**

۷.خانه‌داری

چگونه زیستن و معاشرت کردن با همسر و فرزندان و سامان بخشی به امور خانه و زندگی که در حیات طیّبه حضرت زهرا(ع) بود، هم الگوی خانواده‌هاست، هم خانه و خانواده او را به عنوان یک «خانواده الگو» مطرح ســـاخته اســـت. آن حضرت، آیین خانه داری و همســـرداری را به خوبی مراعات می‌کرد. در زندگی واقعاً شریک و همراه و همراز همسرش امیرمؤمنان(ع) بود. گاهی در خانه، به علّت دوران و شرایط تنگنای اقتصادی حاکم بر مسلمانان و آن حضرت، غذایی نبود و کودکان و خود آن بانو گرسنه بودند، اما فاطمه زهرا(ع) چیزی به حضرت علی(ع) نمی‌گفت و از او درخواستی نمی‌کرد؛ حتی به پیامبر خدا هم در این مورد سخنی نمی‌گفت. بیم آن داشت که همسرش نتواند خواسته او را تأمین کند و شرمنده شود. تا این حد مراعات قدرت مالی شوهر و پرهیز از «درخواست»، تنها از آن حضرت بر می‌آمد که همسر و همتای کسی همچون علی(ع) است. مشارکت در کارهای خانه، جلوه دیگری از رفتار آن خانواده الگو بود. گاهی در اثر کار بسیار، دست‌هایش تاول می‌زد، لباس‌هایش غبارآلود می‌شد و بر لباسش دود و خاکستر می‌نشست.[۸] کارها بین حضرت علی(ع) و فاطمه(ع) تقسیم شده بود.آوردن آب و تهیه هیزم و کارهای خارج از خانه، بر عهده علی(ع) بود و درست کردن آرد و خمیر و پختن نان و وصله زدن لباس و کارهای داخل خانه با فاطمه(ع) بود. حضرت زهرا(ع) از این‌گونه تقسیم کار، بسیار خرسند بود؛ چرا که از برخورد و روبه‌رو شدن با نامحرمان در بیرون، دورتر بود. این نکته، درسی برای تقویت عفاف و پاکی در جامعه اسلامی است. آن حضرت، در کارهای داخل خانه نیز در دورانی که «فضّه» به عنوان خدمتکار، در محضرش بود، کارهای خانه را میان خودش و فضّه خادمه تقســـیم می‌کرد تا چندان سختی بر او وارد نیاید.[۹]

> **کارها بین حضرت علی(ع) و فاطمه(ع) تقســـیم شده بود.آوردن آب و تهیه هیزم و کارهای خارج از خانه، بر عهده علی(ع) بود و درســـت کردن آرد و خمیر و پختن نان و وصله زدن لباس و کارهای داخل خانه با فاطمه(ع). حضرت زهرا(ع) از این‌گونه تقسیم کار، بسیار خرسند بود چرا که از برخورد و روبه‌رو شدن با نامحرمان در بیرون، دورتر بود. این نکته، درسی برای تقویت عفاف و پاکی در جامعه اسلامی است.**

حضرت زهرا(ع) ســـاده زندگی می‌کـــرد.از تجمّل در زندگی پرهیز داشـــت و سختی‌های دنیا را تحمّل می‌کرد، تا به شـــیرینی‌های آخرت برسد. وسایل زندگی او ساده و مهریه‌اش اندک بود.در برابر همسرش علی بن ابی طالب(ع)، فروتنی داشت و به همه وظایف و حقوق همسری، در نهایت ادب عمل می‌کرد و یک «پناه » برای شوهرش بود و همدم رنج‌ها و غصّه‌های وی به شمار می‌آمد. علی(ع) فرموده است: «وقتی به خانه می‌آمدم و به زهرا نگاه می‌کردم، تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد. هرگز کاری نکردم که فاطمه از من خشمناک شود، فاطمه نیز هرگز مرا خشمناک نساخت.».[۱۰] اینکه زهرا(ع) حتی دردهایش را از شوهرش پنهان می‌کرد تا موجب غصّه و ناراحتی او نشود، جلوه دیگری از همدردی و همراهی با او بود. مهربانی‌اش با فرزندان، همدلی‌اش با همسر، همکاری‌اش در کارهای خانه با خدمتگزار، مراقبت از کودکان برای برنامه‌های عبادی و آمادگی‌های روحی برای نیایش و دعا و... از نمونه‌های سرمشق بودن این خاندان برای همگان است. اینها گوشه‌ها و نمونه‌هایی از سیره و رفتار والای آن بانوی بزرگ بود. باشـــد که مرام و شیوه او، الگوی همه ما باشد، پیوسته و در همه حال و همه جا.

پی‌نوشت‌ها

[۱] مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱.
[۲] علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۶.
[۳] یعنی ۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمدلله و ۳۳ بار سبحان الله.
[۴] مناقب، ج ۳، ص۳۴۱.
[۵] انسان/ آیه ۸.
[۶] وسائل الشیعه، ج ۴، ص۱۰۳۳.
[۷] نهج‌البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج۱۵، ص۳۶.
[۸] علل الشرایع، ج ۲، ص ۶۵.
[۹] کافی، ج ۸، ص ۱۶۵.
[۱۰] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۳۶۳.

از: فرهنگ کوثر شماره ۶۹

چراغ راه

علی(ع) تنها هم کفو فاطمه(س)

قال الامام الصادق(ع): «لو لا انّ الله تعالی خلق امیرالمومنین لم یکن لفاطمه کفو علی وجه الارض ادم فمن دونه».

امام صادق(ع) فرمود: اگر خداوند متعال علی(ع) را خلق نکرده بود، کسی شایستگی همسری فاطمه(س) را نداشت از آدم تا دیگران.(۱)

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۰۷

حکایت خوبان

التزام به حجاب ولو در برابر فرد نابینا

امام علی(ع) فرمود: «شخصی که نابینا بود از حضرت فاطمه(س) اجازه خواست تا به حضور او برود، حضرت فاطمه(س) اجازه داد، ولی در طول ملاقات حجاب بر سر داشت. پیامبراکرم(ص) به او فرمود: چرا حجاب دربر نمودی در حالی که او تو را نمی‌دید؟ حضرت فاطمه(س) گفت: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم، و او بوی تن مرا نیز حس می‌کند. پیامبر گرامی(ص) فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن من هستی.(۱)

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص۹

پرسش و پاسخ

چرایی انسان کامل و عصمت فاطمه(س)

پرسش:

چرا و چگونـــه حضرت فاطمه(س) با وجود ســـن کم از شاخص‌ها و ویژگی‌های انسان کامل بهره‌مند شدند و به مقام عصمت رسیدند؟

پاسخ:

در بخش نخســـت پاســـخ به این ســـؤال به مباحثی همچون: ضرورت معرفی الگوهای کامل انســـانی، ابعاد شخصیتی الگوهای کامـــل و کمالات حضرت فاطمه (س) شـــامل: ۱- فاطمه وجود جامع ۲- فاطمه(س) ولی‌الله و حجةالله پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۳- فاطمه(س) واجد علم لدنی

حضرت فاطمه(س) به دلیل جایگاه رفیعی که در نظام هســـتی دارد، واجد علم لدنی و مقام عصمت نیز می‌باشد.

لذا خود آن حضرت می‌فرماید: «من علم گذشته و آینده و آنچه را که واقع نخواهد شد را می‌دانم (بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۴).

امام صادق(ع) فرمود: اگر امیرالمومنین(ع) با فاطمه(س) ازدواج نمی‌کرد، تا روز قیامت کســـی روی زمین هم‌کفو و هم‌شأن او پیدا نمی‌شد.» (علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵۸۵) دلیل آن هم روشـــن اســـت چرا که حضرت فاطمه(س)، معصومه و انسان کامل است و هم‌کفو و کسی جز انسان کامل و معصوم مانند امام علی(ع) نمی‌تواند باشـــد. امام صادق(ع) در پاسخ به سؤالی که پرسیده شد مصحف فاطمه(س) چیست؟ فرمود: مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شما است.

بـــه خـــدا حتـــی یـــک حـــرف قـــرآن هـــم در آن نیســـت. (کافـــی، ج ۱، ص ۶۴۳) و نیز آن حضـــرت فرمود: زمانی که خدای تعالی پیغمبرش(ص) را قبض روح فرمـــود: فاطمه(س) را از وفات آن حضـــرت اندوهی فرا گرفت که جز خـــدای عز وجل مقدارش را نداند. از این رو خداوند فرشته‌ای فرستاد تا او را دلداری دهد، و با او سخن بگوید.

حضرت فاطمه(س) به امیرالمومنیـــن(ع) خبر داد و آن حضرت هر چه می‌شـــنید می‌نوشت، تا آنکه از آن سخنان مصحفی ساخت. اما در آن مصحف چیزی از حلال و حرام نیســـت، بلکه در آن، علم به پیشـــامدهای آینده است. (بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۹۷). همچنین حضرت فاطمه(س) را محدثه نامیده‌اند، از آن جهت که با فرشتگان سخن می‌گفت. امام صادق(ع) می‌فرماید: فاطمه(س) را بدین خاطر محدثه نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و آن حضرت را می‌خواندند، همـــان طوری که مریم(س) دختـــر عمران را صدا می‌زدند.(همان، ص ۸۷)

بنابراین پیامبر اکرم(ص) بدین جهت فاطمه(س) را نور چشـــم و پاره تن خود می‌داند و می‌نامد، و این توصیف نه از روی وابســـتگی عاطفی پدر و فرزندی است، چرا که پیامبر(ص) دختران دیگری نیز داشت که در وصف هیچ کدام چنین نفرمود.

این دلبستگی و سفارش اکید به خاطر حفظ حرمت او و به واسطه جایگاه و مقامی است که حضرت فاطمه(س) در پیشگاه حق تعالی و نظام تکوین و تشریع هستی دارا می‌باشد. و لذا این همه توصیه و ســـفارش موکد به الگوپذیری از آن حضرت و اطاعت از او و محبت نسبت به او و فرزندانش دارای حکمتی عمیق است.

از این جهت است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «یا فاطمه! خداوند تبارک و تعالی به خشم تو خشمگین، و به رضای تو راضی می‌شود.» (همان، ص ۲۲)

۴- فاطمه(س) جداکننده از آتش

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «دخترم را فاطمه(س) نامیدم، زیرا خداوند عز و جل او و دوستدارانش را از آتش جهنم جدا کرده است.»(همان، ص ۵۱) امـــام باقر(ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت فاطمه(س) متولد شدند، خداوند عز و جل به فرشته‌ای وحی فرمود، که بر زبان محمد(ص) جاری کند که نام آن مولود را فاطمه(س) گذارد.(همان، ص ۳۱) از پیامبر(ص) ســـؤال شد آیا فاطمه(س) بزرگ زنان عصر خودش اســـت؟ حضرت فرمود: آن مریم(س) است که بزرگ زنان عصر خودش بود. دخترم فاطمه(س) بهترین زنان گذشـــته و آینده است.(همان، ص ۴۲)

۵- فاطمه(س) شب قدر

امام جعفر صادق(ع) درباره تفسیر سوره مبارکه قدر که می‌فرماید: «همانا ما آن را در شـــب» قـــدر نازل کردیم.» شـــب فاطمه(س) اســـت و قدر خدا، پس کســـی که فاطمه(س) را از آن طور که باید و شـــاید بشناسد، شـــب قدر را درک کرده است. فاطمه(س) بدین لحاظ فاطمه نامیده شـــد که خلق نتوانستند او را کامل بشناسند. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵)

البته روایاتی که حضرت فاطمه(س) را شب قدر معرفی می‌کند منافاتی با لیلةالقدر بودن خود پیامبر(ص) ندارد.

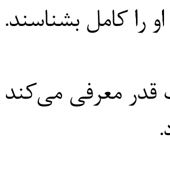

سلوک عارفانه

مصحف فاطمه(س) کتاب الهام‌شده از جانب خداوند

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخشی که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین(ع) ما است. مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین ابن علی علیهماالسلام و صحیفه سجادیه، این زبور آل‌محمد(ص) و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام‌شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ما است.(۱)

۱- وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره)، ص۵